




The University of Tehran Press

The Status of International Joint-Venture Contracts in the Iranian Oil Industry

Maryam Bolandi Barzoki¹ | Mahmoud Jalali² 

1. Ph.D. Student of Private Law, Department of Law, Faculty of Administrative Sciences & Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: [Bolandi290@yahoo.com](mailto:bolandi290@yahoo.com)
2. Corresponding Author; Associate Prof., Department of Law, Faculty of Administrative Sciences & Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: m.jalali@ase.ui.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Pages: 853-875</p> <p>Received: 2020/06/01</p> <p>Received in revised form: 2020/11/08</p> <p>Accepted: 2021/01/26</p> <p>Published online: 2022/06/22</p> <p>Keywords: <i>international trade law, foreign investment, joint-venture contract, oil and gas industry.</i></p>	<p>Joint venture is a contract whereby two or more business partners participate in the execution of a specific economic plan and invest in that plan through cash or non-cash. Joint venture is among the international contract models that can be and is used in the oil industry. In Iran, this contractual method was permitted under Oil Act of 1957 but the law was changed. First the use of this method was limited in the "upstream operation" of the oil industry by the Oil Act of 1974 and then the Oil Act of 1987 prohibited the use of any type of cooperative method in the oil industry. Although a law passed in 2011 amended the provisions of the 1987 Act. The main question this paper is the following: is it allowed to use this contractual model under the new rules in oil and gas industry? With the introduction of new oil contracts in the post-JCPOA and in view of the fact that one of the country's top priorities is attracting foreign investment, it seems new laws have explicitly or implicitly permitted the use of this model of contract in the oil contracts.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Bolandi Barzoki, Maryam; Jalali, Mahmoud (2023). The Status of International Joint-Venture Contracts in the Iranian Oil Industry. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, 53 (2), 853-875. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.301882.2412</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/JPLSQ.2021.301882.2412</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press. </p>



جایگاه قرارداد بین‌المللی «مشارکت در سرمایه‌گذاری» در صنعت نفت ایران

مریم بلندی برزکی^۱ | محمود جلالی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: [Bolandi290@yahoo.com](mailto:bolandi290@yahoo.com)

۲. نویسنده مسئول؛ دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: m.jalali@ase.ui.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۸۵۳-۸۷۵</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۲</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۷</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: حقوق تجارت بین‌الملل، سرمایه‌گذاری خارجی، صنعت نفت و گاز، قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری.</p>	<p>مشارکت در سرمایه‌گذاری، قراردادی است که به موجب آن دو یا چند شریک تجاری جهت اجرای یک طرح اقتصادی مشخص مشارکت کرده و از طریق آورده‌های نقدی و یا غیرنقدی، در آن طرح سرمایه‌گذاری می‌نمایند. «مشارکت در سرمایه‌گذاری» یکی از شیوه‌های قراردادی بین‌المللی است که می‌تواند در صنعت نفت نیز استفاده شود. در ایران، اگرچه این شیوه مطابق قانون نفت ۱۳۳۶ مجاز شمرده شده بود، با تغییر قوانین نفت، ابتدا در قانون نفت ۱۳۵۳ استفاده از این روش در «عملیات بالادستی» صنعت نفت و سپس در قانون نفت ۱۳۶۶ به‌طور کلی استفاده از هر نوع شیوه مشارکتی در صنعت نفت، ممنوع اعلام شد. قانون نفت ۱۳۹۰ علاوه بر اصلاح موادی از قانون نفت ۱۳۶۶، مقررات قانون نفت ۱۳۵۳ را ملغی کرده است، با اینکه ممنوعیت استفاده از روش‌های مشارکتی براساس قانون مزبور همچنان به قوت خود باقی است، به‌منظر می‌رسد با توجه به قوانین جدید، استفاده از این مدل قراردادی در صنعت نفت و گاز مجاز شمرده می‌شود. چنانکه با رونمایی از قراردادهای نفتی جدید در فضای پس از برجام که در آن یکی از اولویت‌های اصلی کشور جذب مشارکت خارجی در سرمایه‌گذاری اعلام شده است، قوانین جدیدالتصویب، برخی به‌صراحت و برخی به‌طور ضمنی استفاده از این مدل قراردادی را در قراردادهای نفتی مجاز دانسته‌اند. در این مقاله پس از ذکر ارکان این نوع قرارداد و ذکر پیشینه استفاده از این مدل قراردادی در صنعت نفت تلاش خواهد شد با تحلیل قوانین جدید موضع قانونگذار در امکان استفاده از این مدل قراردادی در صنعت نفت و گاز بررسی شود.</p>
استناد	<p>بلندی برزکی، مریم؛ جلالی، محمود جلالی (۱۴۰۲). جایگاه قرارداد بین‌المللی «مشارکت در سرمایه‌گذاری» در صنعت نفت ایران. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۳ (۲)، ۸۷۵-۸۵۳.</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.301882.2412</p>
DOI	10.22059/JPLSQ.2021.301882.2412
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

در حالی که سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی و ملی نیاز مبرم برای کشورهای در حال توسعه است، این کشورها معمولاً قادر نیستند سرمایه لازم برای این‌گونه از پروژه‌ها را به‌تنهایی تأمین کنند. از این‌رو یکی از ایده‌های نو در کشورهای در حال توسعه، انجام پروژه‌ها به‌صورت مشارکتی توسط شرکت‌های پیمانکاری داخلی و بین‌المللی است که معمولاً حضور شریک خارجی در این مشارکت‌ها موجب جذب سرمایه‌گذاران و تأمین‌کنندگان مالی پروژه می‌شود. در واقع این روش به بخش خصوصی امکان می‌دهد تا در پروژه‌های زیربنایی و ملی مشارکت کند. البته در هر کشوری با توجه به محدودیت‌های قانونی، سیاسی و اقتصادی، شیوه خاصی در جلب سرمایه‌گذاری خارجی انتخاب می‌شود و این شیوه‌ها در بخش انرژی در طول سالیان متمادی تغییر اساسی یافته است.

قراردادهای جاری در صنعت نفت و گاز دارای تنوع خاصی بوده که خود متأثر از میزان خطرپذیری دولت میزبان و شرکت نفتی خارجی و نحوه تقسیم خطرهای ناشی از عدم اکتشاف و استخراج و در نهایت نحوه تسهیم سود و درآمد است.

قراردادهای اولیه در بخش نفت و گاز اغلب به‌صورت «اعطای حق امتیاز» و یا «بهره مالکانه» بوده است. اما بعدها شیوه‌های مختلف همچون خرید خدمت (با ریسک و بدون ریسک)، مشارکت در تولید، مشارکت در سود، مشارکت در سرمایه‌گذاری و بیع متقابل استفاده شد.

عوامل متعددی از جمله شرایط طرفین و هدف ایشان از انعقاد قرارداد و نحوه تأمین منافع آنها در انتخاب نوع قرارداد مؤثر است. بنابراین شرکت‌های بین‌المللی نفتی و نیز کشورهای دارای نفت در زمان‌ها و شرایط مختلف، قراردادهای متفاوتی را انتخاب می‌کنند و به همین دلیل به‌صورت کلی نمی‌توان یک نوع قرارداد را به‌عنوان بهترین نوع قرارداد قلمداد کرد و معتقد بود که این نوع قرارداد می‌تواند منافع طرفین قرارداد را تضمین کند. در حقیقت نوع قرارداد به عملی که موضوع قرارداد است، بستگی دارد، علاوه بر آن فاکتور ریسک و خطرپذیری و نیز نحوه و میزان سهم تولید هم از عوامل مهم در انتخاب نوع قرارداد است، در ضمن در قراردادهای بین‌المللی متغیرهای سیاسی و اقتصادی همگی در تعیین شرایط قرارداد و نوع آن مؤثر است، میزان توانمندی‌ها و قدرت کشور طرف قرارداد هم عامل اساسی در انعقاد نوع قرارداد به‌شمار می‌رود، به‌طوری که کشورهای ضعیف به انعقاد قراردادهایی اقدام می‌کنند که هزینه بیشتری برای آنها دارد؛ از این‌رو عوامل انسانی، غیرانسانی و مدیریتی متعددی در قرارداد نهفته است که در تحلیل آن باید مورد توجه قرار گیرد.

کشورهای دارنده ذخایر نفتی، به‌واسطه ضعف در زمینه‌های مالی، علمی و فناوری جهت انجام تحقیقات، اکتشافات و بهره‌برداری از منابع نفتی، از حضور شرکت‌های بین‌المللی نفتی جهت انجام این امور استقبال می‌کنند. در این بین، قراردادهای نفتی، حلقه پیوند میان شرکت‌های بین‌المللی و دولت‌های طرف

قرارداد هستند، مطالعه تاریخی قراردادهای نفتی نشان‌دهنده تعارض منافع شرکت‌های نفتی خارجی با منافع ملی دولت میزبان در قالب قراردادهای نفتی است، تعارضی انکارناپذیر که امروزه به سمت نوعی از مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و نیز تقسیم و تسهیم سود و زیان ناشی از فعالیت است. بنابراین در تحلیل مبانی قراردادهای نفتی باید به این امر توجه ویژه داشت و براساس مبانی مزبور در قرارداد به تفسیر آنها پرداخت و در انتخاب نوع قرارداد نفتی راهکار حقوقی متناسب را برگزید (ایرانپور، ۱۳۸۶: ۲۶).

در سال‌های اخیر رویکرد قانونگذار ایران نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی نیز در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور تغییر کرده و قوانین جدید به‌منظور جذب سرمایه‌های خارجی در زمینه‌های گوناگون وضع گردیده است. در این مقاله ابتدا موقعیت جهانی این نوع قرارداد و مهم‌ترین ارکان و محورهای ضروری آن بررسی می‌شود. سپس به‌منظور تبیین جایگاه مشارکت در سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران، ابتدا به تشریح قانون نفت ۱۳۳۶ و قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری منعقد براساس این قانون به‌عنوان پیشینه این نوع قرارداد در ایران پرداخته می‌شود و در نهایت این مسئله بررسی می‌شود که آیا در وضعیت موجود با توجه به قانون اساسی و اعتقاد برخی دال بر ممنوعیت استفاده از این نوع قرارداد در صنعت نفت و گاز می‌توان نسبت به انعقاد قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری در حیطه نفت و گاز اقدام کرد یا خیر؟

۲. وصف جهانی قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری

جهانی شدن اقتصاد و تجارت در عرصه حقوق نیز وارد شده و اعمال حقوقی متعددی همچون قراردادهای ليسانس، فرانشیز و تجارت موازی را در تجارت بین‌الملل متأثر ساخته است. قرارداد بین‌المللی مشارکت در سرمایه‌گذاری یکی از جدیدترین روش‌های حقوقی است که در نظام جهانی شده تجارت بین‌الملل به‌کار می‌رود. به دلایل مختلف از جمله نیاز کشورهای در حال توسعه به سرمایه‌گذاری خارجی، نیاز مبرم آنها به فناوری‌های نوین و پیشرفته، وجود منابع طبیعی و نیروی کار ارزان و زیاد، این نوع مشارکت با استقبال روبه‌رو شده است. با اینکه هر کشوری قوانین و مقررات خاصی را بر فعالیت این‌گونه شرکت‌ها حاکم می‌داند، لکن به دلایل متعدد این مشارکت‌ها تحت تأثیر مقررات فراملی و بین‌المللی نیز قرار گرفته است.

مشارکت تجاری بین‌المللی، توافق دو یا چند شرکت متفاوت است که ثمره همکاری آنها تأسیس شرکت ثالثی با شخصیت حقوقی مستقل از ایجادکنندگان است؛ ولی ایجادکنندگان در سود و زیان شرکت جدید و خطرهای احتمالی مدیریت به نسبت تعیین شده سهیم‌اند و در واقع نوعی مشارکت انتفاعی یا تجارت جمعی برای همکاری در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود.

قراردادهای مشارکت، همواره مبتنی بر قرارداد است و برای فعالیت خاصی بین طرفین منعقد می‌شود و اصولاً یکی از اهداف سه‌گانه اکتشاف نفت، انجام امور بانکی و سرمایه‌گذاری را دنبال می‌کنند. بنابراین در

حقوق نفت نیز دو یا چند شرکت نفتی از چند کشور می‌توانند برای انجام امور مربوط به نفت در هزینه‌ها و عواید به نسبتی که توافق می‌کنند سهیم شوند. این حقوق و قراردادهای آن به قدری تحت تأثیر مقررات و موازین بین‌المللی قرار گرفته که واجد وصف بین‌المللی بوده و عده‌ای معتقدند این حقوق شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل نفت است و به سستی می‌توان آن را شاخه‌ای از حقوق داخلی دانست، از این رو سرمایه‌گذاری در این صنعت نیز جهانی است و عمده سرمایه‌گذاران در این بخش شرکت‌های بین‌المللی هستند. به علاوه میادین نفتی هم اکثراً مشترک بین کشورها و از این نظر بین‌المللی است و بسیاری از حوزه‌های نفتی در دریاها قرار دارند و تابع مقررات بین‌المللی حقوق دریاها هستند. انتقال فناوری در این صنعت نیز از کشورهای بزرگ به کشورهای دارای نفت صورت می‌گیرد و تابع مقررات بین‌المللی خواهد بود. حمل و نقل نفت هم به صورت بین‌المللی انجام می‌شود و تحت پوشش حقوق بین‌الملل حمل و نقل است. خطرهای ناشی از این حمل و نقل همچون خسارات زیست‌محیطی با حقوق بین‌الملل نظام‌مند شده است. بالاخره، خرید و فروش این کالا و فرآورده‌های آن همه بخشی از حقوق تجارت بین‌الملل تلقی می‌شود. با توجه به امور مذکور، اکثر قریب به اتفاق اختلافات نفتی نیز براساس ابزارهای بین‌المللی حل و فصل اختلافات از جمله داوری بین‌المللی مرتفع می‌شوند.

در ایران این نوع قراردادها در چارچوب ماده ۱۰ قانون مدنی شکل می‌گیرند و از این رو این نوع شرکت در قالب شرکت‌های هفت‌گانه قانون تجارت نیستند.

۳. بررسی جایگاه و مفاد قراردادهای بین‌المللی مشارکت در سرمایه‌گذاری

چنانکه ذکر شد، مشارکت در سرمایه‌گذاری یا جوینت ونچر یکی از روش‌های قراردادی مورد استفاده در بخش بالادستی (اکتشاف و استخراج) منابع نفت و گاز است. قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری عبارت است از اینکه دو یا چند شخص مستقل به منظور اجرای یک طرح اقتصادی مشخص با هم متحد شوند و با مشارکت یکدیگر نسبت به اجرای آن طرح اقتصادی اقدام کنند.

موضوعات متعددی ممکن است در یک قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری نفتی عنوان شود و مورد توافق طرفین قرار گیرد. این مبحث بر آن است تا در مورد برخی از موضوعاتی که تحت قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری در صنعت نفت قابلیت طرح دارد، به طور خلاصه بحث کند. شایان ذکر است در این زمینه به اقتضای مطلب به عنوان نمونه بندهایی از قرارداد شرکت سهامی نفت ایران و ایتالیا (سیرپ)^۱ که بعداً به آن پرداخته خواهد شد^۲، به منظور روشن شدن بحث ذکر شده است. البته پیش از بررسی مفاد

1. Ia socie'te' Irano- Italienne des Pe'troles(SIRIP)

۲. به منظور دسترسی به محتوای مواد قانون مذکور به قانون مربوط به موافقت‌نامه تفتحص و اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری نفت بین شرکت نفت ایران و شرکت ایتالیایی آجیپ مینراریا مصوب ۲۴ مردادماه ۱۳۳۶ مراجعه شود.

قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری نفتی، شایان ذکر است که هرچند در قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری هر کدام از شرکا نسبت به سهم خود در هزینه‌ها، مخاطرات، ریسک‌ها و تعهدات و درآمدها سهیم‌اند، در قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری نفتی مسئله اندکی متفاوت است و در واقع در این مدل قراردادهای، هزینه اکتشاف کلاً توسط شرکت‌های نفتی بین‌المللی تأمین می‌شود و هرگاه میدان تجاری کشف نشود، در این صورت قرارداد فسخ شده، ریسک آن کلاً به عهده طرف خارجی خواهد بود و چنانچه میدان تجاری کشف شود، هزینه‌های ذی‌ربط به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول به مرحله توسعه منتقل می‌شود (شیروی، ۱۳۹۳: ۳۶۳).

۱.۳. مشارکت در قالب تأسیس شرکت ثالث و یا دستگاه مختلط

قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری، نتیجه توافق دو اراده است؛ اراده شرکت بین‌المللی یا خارجی که سرمایه‌گذاری را انجام می‌دهد و اراده دولت میزبان و شرایط ضمن قرارداد، چگونگی تملک نفت و گاز، زمان تملک نفت و گاز نیز از مطالبی است که بین طرفین و در قالب قرارداد با دقت تنظیم می‌شود؛ در واقع در قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری نفتی، دولت میزبان به‌عنوان صاحب مخزن با سرمایه‌گذار خارجی یا بین‌المللی که دارای منابع مالی و فنی است، مشارکت کرده و به‌طور مشترک در انجام عملیات بالادستی در صنعت نفت و گاز مشارکت می‌کنند.

از لحاظ حقوقی، مشارکت در سرمایه‌گذاری ممکن است سبب تشکیل یک شرکت «با شخصیت حقوقی مستقل» شود، به‌طوری که شرکت مستقل ایجاد شده، دارای شخصیت حقوقی جداگانه از طرفین قرارداد است و عملیات اکتشافی و استخراجی را انجام می‌دهد، این شخصیت حقوقی مستقل که یک شرکت بومی است و از این‌رو می‌تواند در قالب قرارداد، مالک منابع زیرزمینی و نیز نفت و گازی که از مناطق نفتی استخراج می‌شود، شود. واضح است که تقسیم سود بین طرفین قرارداد به‌صورت تقسیم عین نفت و گاز امکان‌پذیر بوده و از این‌رو عین نفت و گاز به نسبت سهم‌الشرکه ایشان بین دولت میزبان و شریک خارجی تقسیم می‌شود (ایرانپور، ۱۳۸۷: ۳۶).

نوع دیگر مشارکت در سرمایه‌گذاری، «تشکیل دستگاه مختلطی» است که فاقد شخصیت حقوقی است و در قالب مشارکت مدنی صورت می‌پذیرد؛ در این نوع مشارکت طرفین (شرکت سرمایه‌گذاری - دولت میزبان) شخصیت حقوقی خود را حفظ می‌کنند، ولی به موجب قرارداد، سازمان مستقلی را تشکیل می‌دهند که وظایف آن را نیز به موجب قراردادی که «تعهد مشترک» نامیده می‌شود، تعیین می‌کنند (تفرشی، ۱۳۷۹: ۳۵). در این صورت، میزان مسئولیت و نیز تعهدات و منافع مالی طرفین در قالب «قرارداد کنسرسیوم» شکل خواهد گرفت و در این زمینه اطلاق لفظ کنسرسیوم به معنای مالکیت طرفین بر نفت و گاز استخراجی است.

در قانون نفت سال ۱۳۳۶ ایران نیز قانونگذار جهت مشارکت شرکت ملی نفت در عملیات اکتشاف، استخراج و تولید و سایر عملیات مربوطه، دو نوع مشارکت پیش‌بینی کرده بود. شرکت سیرپ نمونه‌ای از تشکیل شرکت با شخصیت حقوقی مستقل است که به موجب آن، طرفین سهام مساوی بوده و اقدام به تشکیل شرکت مستقلی به نام ایران سیرپ و یا شرکت نفت ایران کردند. براساس این قرارداد، نفت استخراج‌شده و تولیدی به تملک شرکت ایرانی درمی‌آید و به‌وسیله آن به فروش می‌رسید، سپس منافع حاصله بین طرفین قرارداد به‌نحو تساوی تقسیم می‌شد. در خصوص دستگاه مختلط که به ایجاد شخصیت حقوقی مستقل منجر نمی‌شود، نیز می‌توان به قرارداد پان امریکن پترولیوم^۱ اشاره کرد که مطابق آن طرفین قرارداد در سر چاه، به نسبت سرمایه مالک نفت تولیدشده می‌شدند.

۲.۳. نسبت سرمایه طرفین در مشارکت

از مهم‌ترین مسائلی که در مذاکرات مربوط به قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری مطرح می‌شود، تعیین میزان سهامی است که به مالکیت هر یک از شرکا درمی‌آید. میزان مالکیت هر یک از شرکا، علاوه بر قوانین کشور میزبان، به عوامل متعدد دیگری از جمله حقوقی که هر شریک به‌واسطه مالکیت این سهام به‌دست می‌آورد، بستگی دارد و طرفین باید به این موضوع واقف باشند که روش‌های حقوقی، مالی و اقتصادی مختلف و زیادی جهت نیل به بسیاری از اهداف که معمولاً مرتبط با درصد مالکیت شرکت است، وجود دارد (پاکدامن، ۱۳۷۲: ۲۵-۲۳). حق اصلی که در این زمینه شریک به‌دست می‌آورد، سهمی شدن در منافع و دارایی شرکت و مشارکت در انتصاب مدیران و نیز نظارت بر شرکت مشترک است که این‌گونه حقوق معمولاً به تناسب درصد مالکیت سهامداران در سرمایه شرکت به ایشان اعطا می‌شود.

به‌طور کلی قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری به چند شکل ممکن است منعقد شود که اغلب برحسب مقررات راجع به مالکیت، از یکدیگر متمایز می‌شوند؛ اقلیت سهام در مالکیت خارجی، اکثریت سهام در مالکیت خارجی و مالکیت سهام به‌نحو مساوی (پنجاه/ پنجاه).

در صنعت نفت، عملیات نفتی بالادستی به سه مرحله اساسی تقسیم می‌شود؛ مرحله تفحص و اکتشاف، مرحله توسعه و در نهایت مرحله تولید و بهره‌برداری. تأمین وجوه لازم جهت مصرف در عملیات تفحص و اکتشاف، به موجب قراردادهای مشارکت، مطلقاً بر عهده طرف خارجی است و در صورتی که عملیات به کشف نفت به مقادیر تجاری منجر شود، ادامه فعالیت در مرحله تولید و بهره‌برداری لازم خواهد بود و در این مرحله است که سرمایه‌گذاری و تأمین وجوه لازم برای انجام عملیات توسط هر دو طرف و به نسبت سهام آنها صورت می‌گیرد (موحد، ۱۳۵۷: ۲۴۶).

1. Pan American Petroleum Corporation

در ماده ۴ قرارداد سیرپ، نسبت سرمایه طرفین پنجاه درصد توسط هریک از آنها (شرکت ملی نفت ایران یا شرکت‌های تابعه آن و شرکت آجیب‌مینراریا یا شرکت‌های تابعه آن) بوده است. نکته دیگری که در مورد سرمایه باید در قرارداد گنجانده شود، وضعیت کسب سرمایه و وجوه اضافی توسط شرکت در صورت لزوم است. در این زمینه برای مثال وفق ماده ۷ قرارداد سیرپ چنانچه علاوه بر وجوه پرداختی طرفی، پرداخت وجوه اضافی دیگری لزوم پیدا کند، شرکت سیرپ آن وجوه را از طریق استقراض تأمین می‌نماید و اگر سیرپ موفق به استقراض نشود، شرکت ملی نفت ایران و شرکت آجیب‌مینراریا مکلفاند هریک نصف وجوه مورد احتیاج را تهیه نمایند.

بسته به قوانین کشور میزبان، سهام منتشره بین شرکای شرکت مشترک می‌تواند کلاً پرداخت شده یا قسمتی پرداخت شود. پرداخت‌هایی که از بابت سهام به‌عمل می‌آید، به اشکال ذیل هستند: الف) بسته به فراهم بودن امکان و شرایط تأمین مالی (وام، اوراق مشارکت، اوراق قرضه و...؛ ب) سهم‌الشرکه شرکا و اغلب سهم‌الشرکه شریک خارجی در شرکت، ممکن است به‌صورت ماشین‌آلات و تجهیزات باشد؛ ج) همچنین مشارکت شرکا می‌تواند از طریق مالکیت صنعتی (حق اختراع، علائم تجاری، اسامی تجاری، پردازش‌های سری، اطلاعات و داده‌ها و دانش فنی، فرمول‌ها، اطلاعات مهندسی و اطلاعات مربوط به آزمایش، مشخصات تولیدات، دستورالعمل‌های کاربرد، اطلاعات مربوط به مواد اولیه، منابع و مصارف آنها، روش‌های تجزیه و تحلیل و کنترل کیفیت آنها، نمونه برچسب تولیدات، وسایل تبلیغات و معرفی تولیدات و غیره) باشد (پاکدامن، ۱۳۷۲: ۳۲)؛ د) در صورتی که قوانین محل ثبت شرکت اجازه دهد که سهم‌الشرکه در سرمایه بتواند به‌صورت خدماتی باشد که شرکا به شرکت مشترک ارائه می‌دهند (مثل سازماندهی شرکت)، می‌توان در مقابل خدمات ارائه‌شده، برای شرکای ارائه‌کننده این خدمات سهام صادر کرد. قرارداد سیرپ در ماده ۱۵ تمام روش‌های مذکور را به‌عنوان سرمایه پذیرفته و ملاک عمل قرار داده است؛ شایان ذکر است که در حال حاضر نیز مطابق با قوانین فعلی ایران تمامی موارد مذکور در فوق را قابلیت به‌عنوان سرمایه در شرکت مشترک را دارد (ماده ۱ قانون سرمایه‌گذاری خارجی).

۳.۳. تجاری بودن میدان نفتی موضوع مشارکت

اگر میدان نفتی، قابلیت تجاری نداشته باشد از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نخواهد بود که عملیات اکتشاف صورت پذیرد؛ بنابراین چنانچه میدان نفتی تجاری شناخته شود، عملیات توسعه آغاز می‌شود. این موضوع در قسمت اخیر بند «ه» ماده ۸ قرارداد سیرپ مورد توجه قرار گرفته است. در این قرارداد باید قابلیت تولید میدان نفت به میزانی باشد که پس از کسر هزینه‌ها باقی ماندن سود متناسبی قابل پیش‌بینی باشد.

۴.۳. توجه به فعالیت‌های اکتشافی

یکی دیگر از نکاتی که در قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری نفتی باید مورد توجه قرار گیرد، انجام فعالیت‌های اکتشافی است. زمان شروع فعالیت اکتشافی، زمین مورد نیاز، حقوق ارتفاقی لازم، اختیارات شرکت جهت انجام فعالیت‌های اکتشافی و سایر اموری که برای فعالیت اکتشافی لازم و مورد نیاز است باید در قرارداد لحاظ شود. اصولاً این امور به‌طور مفصل در قرارداد ذکر می‌شود. برای نمونه موادی از قرارداد سیرپ به‌طور خاص به این مسئله پرداخته‌اند، براساس ماده ۲۴ قرارداد مذکور، سیرپ و همچنین آجیب مینراریا در تمام دوره اکتشاف اختیار خواهد داشت که برای عملیات خود و با رعایت حقوق اشخاص ثالث از زمین‌هایی که مورد استفاده آنهاست و یا زمین‌های متعلق به دولت ایران که مورد استفاده دولت و یا دیگران نیست، هر نوع خاک و شن و آهک و سنگ و گچ و سایر مصالح ساختمانی را به‌کار برند؛ مشروط بر آنکه خسارت وارده بر اشخاص ثالث را که در نتیجه این برداشت یا استفاده ممکن است متضرر بشوند به میزان عادلانه‌ای جبران کنند.

۵.۳. مسئولیت ریسک عدم کشف نفت

موضوع دیگری که در قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری در صنعت نفت باید مورد توجه قرار گیرد، ریسک عدم کشف نفت است. همان‌طور که گفته شد در قراردادهای نفتی، ریسک عدم کشف نفت ممکن است به‌طور کامل بر عهده کشور میزبان یا به‌صورت کامل به عهده شریک خارجی گذاشته شود و یا اینکه بین شریک خارجی و کشور میزبان مشترک باشد. با اینکه در واقع منظور از مشارکت در سرمایه‌گذاری، مشارکت در ریسک نیز است، ولی در اغلب موارد کشور میزبان ریسک عدم کشف نفت را به عهده شریک خارجی می‌گذارد. مثلاً مطابق بند «د» ماده ۸ قرارداد سیرپ «چنانچه عملیات اکتشاف به نتیجه منفی منتهی شود، مخارج مربوط به امور اکتشافی اعم از سهم آجیب‌مینراریا و سهم شرکت ملی نفت ایران، تماماً بر عهده آجیب‌مینراریا خواهد بود».

۶.۳. تعیین مسائل مربوط به بازاریابی و فروش نفت

موفقیت اصلی شرکت مشترک، به این مسئله بستگی دارد که تا چه اندازه‌ای توانایی فروش محصولات خود و تحصیل سود بیشتر را دارد؛ از این‌رو بازاریابی را می‌توان مهم‌ترین و حساس‌ترین قسمت اداره یک صنعت نفت جامع به‌شمار آورد. شرکت‌های ملی نفت که اغلب در کشورهای صادرکننده هستند، می‌کوشند تا با نفوذ در بازارهای جهانی موقعیت خود را استحکام ببخشند و به مرحله‌ای برسند که بتوانند نفت خود را بدون مداخله اشخاص ثالث و مستقیماً به مصرف‌کنندگان عرضه کنند. اصولاً وفق قرارداد بین طرفین هر یک از

شرکا باید سهم خود را از نفت تولیدشده برداشت کند و آن را در بازار موردنظر خود به فروش برساند؛ ولی یک طرف قرارداد یعنی شرکت ملی نفت، معمولاً بازار کافی موجود برای عرضه نفت خود را ندارد و به همین دلیل شریک خارجی تعهد می‌کند که سهم شریک خود را نیز برداشت و صادر نماید (موحد، ۱۳۵۷: ۲۴۷). شایان ذکر است که علی‌الاصول در مشارکت در سرمایه‌گذاری، کشورها و مناطقی که فروش نفت و گاز به آنها مورد توافق طرفین قرار گرفته است، در قرارداد مشخص می‌شود.

مطلب دیگری که در فروش نفت و گاز موردنظر طرفین قرارداد قرار می‌گیرد، معافیت صدور نفت و گاز از حقوق گمرکی و مالیات صادراتی است و علاوه بر آن مشخص می‌شود که پروانه و تشریفات خاصی برای صدور فروش نفت و گاز حاصله موردنیاز است یا خیر. در این خصوص می‌توان به ماده ۳۲ قرارداد سیرپ اشاره کرد که مطابق آن صدور نفت از حقوق گمرکی و مالیات صادراتی معاف بوده و مشمول هیچ‌گونه مالیات یا عوارض یا پرداخت‌های دیگری به مقامات دولتی ایران اعم از مرکزی یا محلی نخواهد بود. افزون بر این صدور نفت از ایران کاملاً آزاد است و محتاج به هیچ‌گونه پروانه و تشریفات خاصی نخواهد بود.

در مورد فروش نفت و گاز تولیدشده، در قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری ارز مورد قبول ناشی از فروش نیز مشخص می‌شود؛ در این زمینه می‌توان ماده ۲۹ قرارداد سیرپ را مثال زد که مطابق آن فروش نفت خام محصول عملیات سیرپ که برای صادرات منظور است، در بازارهای جهانی به ارزهای قابل قبول شرکت ملی نفت ایران و آجیپ‌مینزاریا یا ارزهای اعلان‌شده به وسیله بانک ملی ایران انجام خواهد گرفت. همچنین فروش ممکن است به ارزی که فقط مورد قبول یکی از طرفین باشد انجام گیرد، مشروط بر آنکه طرف مذکور متعهد شود که سهم طرف دیگر را به ارز مورد قبول پرداخت کند.

۷.۳. حسابرسی هزینه‌های مشارکت

شرکت مشترک باید از روش‌های حسابداری استفاده کند که وضعیت مالی شرکت را به صورت دقیق نشان دهد و داده‌های لازم به منظور اتخاذ تصمیمات صحیح بازرگانی و تجاری را در اختیار مدیران شرکت بگذارد. در سرمایه‌گذاری‌های مشترک دفاتر مربوط به امور شرکت باید نیازهای شرکا را پاسخگو باشد، به طوری که شرکا بتوانند نسبت به وضعیت واقعی سرمایه‌گذاری خود مطمئن باشند و در مواردی که ذخیره و جوهری لازم باشد، این امر از طریق امور حسابداری و دفاتر تجاری شرکت برای شرکا کاملاً قابل درک باشد. به همین دلیل در بیشتر موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری مشترک مقرر می‌شود که حسابرسان باید مورد تأیید تمام شرکا باشند و نیز حسابرسان از یک مؤسسه حسابرسی دارای اعتبار بین‌المللی باشند تا شریک خارجی اطمینان داشته باشد که حسابرسان با روش‌های حسابرسی کشور ایشان نیز آشنایی دارد.

در قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری باید این نکته نیز مشخص شود که سودهای حاصله، ذخیره خواهد شد یا اینکه سود حاصله بین شرکا توزیع می‌شود. در این زمینه ماده ۱۷ قرارداد سیرپ ۵۰ درصد سود حاصله را به‌عنوان مالیات و حقوق دولتی منظور می‌شود و ۵۰ درصد مابقی بالمناصفه بین شرکت ملی نفت ایران و آجیپ مینراریا تقسیم خواهد شد.

نوع ارزی که حساب‌های شرکت به آن ارز نگهداری خواهد شد نیز از مواردی است که باید در قرارداد مشخص شود. ارز مزبور مطابق ماده ۳۰ قرارداد سیرپ برای حساب‌ها دلار و برای عملیاتی که به پول ایران انجام می‌گیرد، ریال تعیین شده بود که سپس پرداخت‌ها و یا دریافت‌های ریالی بر مآخذ متوسطه ماهیانه نرخ بازرگانی متداول بانک‌ها به دلار تبدیل خواهد شد.

۸.۳. حل و فصل اختلافات ناشی از مشارکت

یکی از انتقادات در زمینه قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری آن است که به لحاظ اشتراک در سرمایه‌گذاری در صورتی که بین شرکا اختلافی حاصل شود، این مسئله سبب ایجاد اختلال در عملیات تجاری شرکت مشترک نیز خواهد شد، افزون بر این تغییرات ایجاد شده در قوانین کشور صاحب نفت (میزبان) و تحولات شرایط سیاسی یا اقتصادی کشور مزبور می‌تواند سبب ایجاد تغییر و تعدیل در شرایط قراردادهای مشارکت شود، با عنایت به اینکه حتی قراردادهایی که با دقت فوق‌العاده تنظیم می‌شوند نیز حداقل ابهاماتی در برخی زمینه‌ها دارند، لازم است طرفین در خصوص حل و فصل اختلافات احتمالی آتی روش‌هایی را مورد توافق قرار دهند.

در قرارداد سیرپ روش مصالحه و سازش جهت حل و فصل اختلافات طرفین قرارداد و در مورد اختلافات ناشی از تفسیر و تعبیر قرارداد هم روش داوری اتخاذ گردیده است.

قرارداد در زمینه حل و فصل اختلافات فنی و محاسباتی نیز می‌بایست راه‌حل مناسبی را برگزیند تا طرفین قرارداد حین مواجهه با چنین مشکلاتی، راهکار مناسبی پیش رو داشته باشند. ماده ۴۳ قرارداد سیرپ در این زمینه تعیین کارشناس با توافق طرفین و در صورت عدم توافق ایشان داوری را به‌عنوان راه‌حل برگزیده است.

۹.۳. قانون حاکم بر مشارکت

با توجه به اینکه قرارداد، قانون حاکم در روابط بین طرفین است و در حقیقت قرارداد به‌نوعی ایجادکننده محدودیت توسط آنهاست، از این رو در اغلب نظام‌های حقوقی تعهدات قراردادی را تابع قانون مورد توافق طرفین در قرارداد می‌دانند، چراکه براساس اصل آزادی قراردادهای و اصل حاکمیت اراده، طرفین قرارداد می‌توانند قانون و قواعدی را که شایسته می‌دانند، بر روابط بین خود حاکم سازند.

طبق اصل حاکمیت اراده ممکن است طرفین اراده خود را به طور صریح در قرارداد بیان کرده و قانون حاکم بر روابطشان را به صراحت ذکر کنند یا اینکه قانون حاکم را صریحاً ذکر نکنند که در این صورت با بررسی شرایط قرارداد امکان استخراج اراده ضمنی ایشان خواهد بود.

در صورتی که طرفین قرارداد قانون صالح حاکم بر قرارداد را به طور صریح در قرارداد اعلام نکرده باشند، برای حل و فصل اختلافات ایجاد شده بین طرفیت از دو طریق می‌توان اقدام کرد: اول آنکه به لحاظ آنکه طرفین از اختیار تعیین قانون حاکم استفاده نکرده‌اند، از این رو حل و فصل اختلافات ایشان تابع قوانین عرفی حاکم نظیر قانون محل انعقاد عقد یا قانون محل اجرای عقد خواهد بود، دومین راهکار آن است که با عنایت به قراین و امارات حاکم بر قرارداد، اراده ضمنی طرفین را استخراج و براساس آن قانون حاکم را تعیین کرد، هر چند در بین قراین و امارات علی‌القاعده محل انعقاد قرارداد و محل اجرای عقد به عنوان قانون حاکم بیش از سایر اماکن مورد توجه طرفین قرارداد است. به هر حال در مورد ارزش محل انعقاد و محل اجرای قرارداد نباید مبالغه شود و قاضی باید علاوه بر این دو عامل به احوال و امارات دیگری هم که در تعیین قانون صلاحیتدار می‌تواند مورد استفاده واقع شود توجه نماید (الماسی، ۱۳۸۵: ۲۱۲-۲۰۴).

ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران در مورد قانون حاکم بر تعهدات قراردادی مقرر می‌دارد: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است، مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند». چنانکه ملاحظه می‌شود قانون مدنی ایران قانون حاکم بر «تعهدات ناشی از عقود» را معین کرده، ولیکن در مورد قانون حاکم بر «ایجاد قرارداد و تکوین شرایط اساسی آن» مطلبی ذکر نکرده است. در این مورد باید طبق اصل مندرج در ماده ۵ قانون مدنی ایران (اصل سرزمینی بودن قوانین)، اصولاً قانون محل انعقاد عقد را قانون صلاحیتدار بدانیم، مگر آنکه خلاف آن تصریح شده باشد. به عبارت دیگر، ماده ۹۶۸ ق.م ناظر به آثار عقد است. ولی طبیعی است که شرایط انعقاد و نفوذ قرارداد نیز تابع قانون محلی است که در آنجا واقع می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۷۶).

در واقع، قانونگذار ایران در جمله صدر ماده، از یک جهت به بیان قاعده کلی حل تعارض در زمینه قراردادها پرداخته و اعلام کرده است که هر گاه تعارض از قرارداد ناشی شود، باید قانون محل انعقاد را بر تعهدات ناشیه از آن عقد حاکم دانست. از حیث دیگر، با توجه به قسمت اخیر ماده، قانونگذار خواسته است دامنه شمول قوانین ایران را تعیین کند (ارفع‌نیا، ۱۳۷۶: ۷۵).

به نظر می‌رسد قاعده مندرج در این ماده «جنبه اختیاری» دارد، یعنی متعاقدين حق دارند قانون حاکم بر تعهدات قراردادی خود را (در حدود قوانین امری)، خود، انتخاب کنند (الماسی، ۱۳۸۵: ۲۱۴). پذیرش قاعده آزادی اراده در تعیین قانون قابل اجرا درباره قراردادها به این معناست که طرفین قراردادهای دارای وصف بین‌المللی، یعنی قراردادهای دارای پیوند با حقوق دو یا چند کشور، بتوانند آزادانه تعیین کنند قرارداد میان آنها تابع کدام قانون است (سلجوقی، ۱۳۸۵: ۳۷۶).

همان‌طور که گفتیم، به‌طور کلی در مواردی که طرفین قانون خاصی را به‌عنوان قانون حاکم بر قرارداد انتخاب و در قرارداد شرط کرده باشند، بی‌گمان همان قانون به‌عنوان یک نظام حقوقی عینی و مشخص، بر روابط قراردادی ایشان حکومت می‌کند و قرارداد را از جمیع جهات در حوزه شمول خود می‌گیرد، لکن در مواردی که طرفین، یک نظام حقوقی بیرونی را کلاً یا جزئاً از طریق ارجاع انتخاب می‌کنند، محتوای آن صرفاً به‌عنوان شرط قراردادی مورد توافق، قابل اعمال و اجرا خواهد بود (محبی، ۱۳۸۲: ۵۷).

در ماده ۴۰ قرارداد سیرپ درباره قانون حاکم بر این موافقت‌نامه این‌گونه آمده است: «نظر به اختلاف ملیت طرف‌های موافقت‌نامه، تعبیر و تفسیر و اجرای موافقت‌نامه مزبور تابع اصول مشترکی خواهد بود که بین قوانین جاریه ایران و ایتالیا موجود می‌باشد و در صورتی که چنین اصول اشتراکی موجود نباشد تابع اصول حقوقی خواهد بود که مورد قبول کشورهای متمدن به‌طور عموم باشد (مخصوصاً اصولی که از طرف دادگاه‌های بین‌المللی بر طبق آن عمل شده باشد)».

قانون متناسب به‌منظور تصمیم‌گیری در خصوص تمام اختلافات ناشی از موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری مشترک از جمله تفسیر خود موافقت‌نامه‌ها می‌تواند قانون ذیل باشد: الف) قانون کشور میزبان؛ ب) قانون کشور شریک خارجی که شرکت در آن ثبت شده است؛ ج) قانون بعضی از کشورهای ثالث که مورد توافق طرفین است؛ د) برخی از قواعد حقوق بین‌الملل.

به‌علت آشنایی طرف داخلی قرارداد با حقوق کشور میزبان، اصولاً وی مایل به اعمال مقررات و حقوق کشور خود است و از طرف دیگر با توجه به اینکه شرکت مشترک نیز طبق این قانون ثبت شده است، در صورت فقدان مقررات مغایر با آن، این قانون حاکم بر روابط طرفین خواهد بود. علی‌هذا به‌منظور جلوگیری از بروز مشکلات و اختلافات احتمالی پس از قرارداد باید در قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری تصریح شود که کدام قانون در روابط بین طرفین حاکم است.

چنانچه طرفین دریابند که قوانین کشور میزبان کامل نیست و قوانین کشور دیگری را انتخاب کنند، بهترین طریق این است که برای حل تمام اختلافات رویه داوری را انتخاب و تصریح نمایند که تصمیم‌گیری در مورد تمام مسائل براساس قانون کشور دیگر خواهد بود. بدین ترتیب قانون کشور میزبان قابلیت اجرا نخواهد یافت، مگر آنکه دادگاه‌ها برخلاف شرط داوری، صلاحیت خود را بپذیرند. احتمال دیگر این است که تصریح شود حقوق بین‌الملل قابل اعمال خواهد بود (پاکدامن، ۱۳۷۲: ۱۳۴).

در مورد نوع قانونی که بر قرارداد حاکم است، علی‌الاصول شرکت‌های نفتی و نیز کشورهای سرمایه‌گذار معتقدند که قراردادهای نفتی از جمله «قراردادهای توسعه اقتصادی» به‌شمار می‌روند و از این رو در حیطه شمول قوانین بین‌المللی و اصول کلی حقوقی خواهند بود و مشمول قوانین داخلی کشور میزبان نمی‌شوند، در مقابل کشورهای میزبان در این نوع قراردادها بر این اعتقادند که قراردادهای نفتی مشمول قوانین داخلی بوده و از حیطه شمول قوانین بین‌المللی خارج‌اند. مبحث مربوط به قانون حاکم در

دو بخش تعارض قوانین و حقوق بین‌الملل مطرح می‌شود و بررسی رویه‌های قضایی و داوری‌های بین‌المللی نشان‌دهنده آن است که در رویه‌های حقوقی از افراط و تفریط پرهیز شده و قراردادهای نفتی نه قراردادی بین‌المللی محض شمرده شده‌اند و نه یک قرارداد ساده داخلی انگاشته شده‌اند. در این خصوص رأی صادره در دعوی دولت کویت علیه امین اوپل در سال ۱۹۸۲ که به «منظومه متوازن و متعادل» قرارداد در راستای قانون حاکم اشاره کرده است (Ripinsky & Williams, 2015: 2-10)، نمونه مناسبی در خصوص عدم پذیرش افراط و تفریط در تفسیر ماهیت قراردادهای نفتی است. در این رأی هم حق حاکمیت دولت طرف قرارداد (دولت کویت) به‌خصوص در مواردی که قرارداد با نظم و منافع عمومی ارتباط به رسمیت شناخته شده و هم حق شرکت خصوصی طرف قرارداد و جبران خسارات وارده به او در حدود انتظارات معقول دیده شده است. هرچند در قراردادهای خدماتی و مشارکتی نفتی بین قرارداد و قانون داخلی کشور میزبان ارتباط برقرار شده که از آن به‌عنوان «جنبش بازگشت» به قانون داخلی نام برده می‌شود (محبی، ۱۳۸۵: ۶۷-۶۶).

۴. قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری در حقوق ایران

در حقوق ایران با ملی شدن صنعت نفت کشور رژیم‌های امتیازی از صنعت نفت ایران حذف شد و با اینکه قرارداد کنسرسیون سال ۱۹۵۴ منافع کشور ایران را، تا حدودی محدود می‌کرد؛ ولی از لحاظ حقوقی رژیم امتیازی به‌شمار نمی‌رفت و مشابه قرارداد عاملیت^۱ بود. علاوه بر این مدل قرارداد، قرارداد جدید دیگری به که تحت عنوان قرارداد مشارکت شناخته می‌شود نیز به رسمیت شناخته شد.

در واقع در سال ۱۳۳۶ یعنی ۳ سال پس از انعقاد قرارداد کنسرسیون، دولت ایران درصدد برآمد تا در خارج از مناطق نفتی حوزه کنسرسیون که حدود چهارپنجم مساحت کشور بود، با تهیه و تصویب یک قانون دقیق و پیشرفته، زمینه نظارت ملی بر منابع و تأسیسات نفتی را به‌وجود آورد. در راستای این خواسته، قانون ۹ ماده‌ای سال ۱۳۳۶ تدوین و حاکمیت نسبی بر منابع نفتی واقع در خشکی و آبی اعمال و حقوق و تکالیف شرکت خارجی طرف قرارداد به‌صورت «عاملیت و مشارکت» مشخص شد (موسوی، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

همچنین قانون نفت ۱۳۳۶، مجموعه مقرراتی بود که اساس روابط بین دولت و شرکت‌های نفتی را در خصوص تفحص، اکتشاف، استخراج، حمل‌ونقل و تصفیه نفت خام و گاز طبیعی و هیدروکربورهای دیگر در سراسر کشور و فلات قاره، مشخص می‌ساخت و هدف اصلی آن اعمال حاکمیت ایران بر منابع نفتی خارج از حوزه قرارداد کنسرسیون بود. قراردادهایی که براساس قانون نفت منعقد می‌شد، عنوان مشارکت داشت. شرکت ملی نفت به موجب این قانون در زمینه عملیات نفتی از اختیارات وسیعی

برخوردار می‌شد، به طوری که علاوه بر آنکه مالکیت مخازن و منابع شناخته شده نفتی با شرکت ملی نفت بود، سازمان‌ها و مؤسسات دیگر تحت نظارت کامل شرکت ملی نفت آن هم با مصوبه مجلس شورای ملی، مجاز به فعالیت برای هرگونه عملیات نفتی بودند (ماده ۱ قانون نفت ۳۶).

به موجب این قانون، شریک خارجی (طرف دوم) موظف می‌شد سالانه مبلغی به عنوان حق الارض بپردازد که این مبلغ را شرکت ملی نفت ایران تعیین می‌کرد. در صورت عدم کشف نفت، طرف خارجی، مسئول تمامی هزینه‌ها بوده و در صورت کشف نفت، شرکت ملی نفت موظف به پرداخت سهم خود از بابت هزینه‌های توسعه خواهد بود.

قانون مذکور، دو نوع مشارکت پیش‌بینی شد: اولین نوع قرارداد ایجاد شرکت جدیدی توسط شرکت ملی نفت ایران و شرکت خارجی است که قسمت مشخصی تحت اختیار شرکت مزبور قرار گرفته و عملیات بالادستی و پایین‌دستی نفتی توسط وی انجام و پس از پرداخت مالیات، سود حاصله بین طرفین تقسیم شود. دومین نوع قرارداد ایجاد دستگاه مختلطی^۱ بود که شخصیت حقوقی مستقلی نداشت و مطابق قانون نفت ایران، هرچند منطقه عملیات نفتی تحویل دستگاه مختلط می‌گشت، ولی تصدی و انجام عملیات توسط یک شرکت ایرانی صورت می‌گرفت.

در واقع با وضع قانون نفت ۱۳۳۶ دوره‌ای جدید از قراردادهای نفتی شکل گرفت. اولین قراردادی که براساس مشارکت در ایران بسته شد و به ترتیب تازه‌ای که در قانون نفت پیش‌بینی شده بود تحقق بخشید، قرارداد شرکت ملی نفت با شرکت آجیپ مینارایا بود. معامله با این شرکت ایتالیایی از حیث فتح باب و ایجاد سابقه برای عقد قراردادهای نوع جدید، یعنی مشارکت به جای امتیاز، در تاریخ تحولات صنعت نفت ایران دارای اهمیت خاصی است (روحانی، ۲۵۳۶: ۶۱).

هرچند مطابق قانون نفت ۱۳۵۳ استفاده از قراردادهای مشارکت که به نوعی سبب ایجاد حق مالکیت شرکت خارجی بر منابع نفتی می‌شد، ممنوع شد و استفاده از قراردادهای مشارکت صرفاً در بخش‌های پایین‌دستی نفت که شائبه تسلط بیگانگان بر منابع نفتی را ایجاد نمی‌کرد مجاز شناخته شد و در عملیات بالادستی (اکتشاف، استخراج و تولید) فرمول قراردادهای خدماتی جایگزین قراردادهای مشارکتی شد و مجدداً پس از پیروزی انقلاب اسلامی اصول ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی نیز سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع بزرگ و صنایع مادر کشور را ممنوع کرد. علاوه بر این در سال ۱۳۶۶ مجدداً قانون نفت تغییر یافت و مطابق ماده ۶ این قانون، به طور کلی سرمایه‌گذاری خارجی در واحدهای عملیاتی بالادستی وزارت نفت ممنوع گردید. با تغییر در رویکرد قانونگذار در سال‌های اخیر، مطابق قانون وظایف و اختیارات نفت ۱۳۹۱ و قانون برنامه پنجم توسعه استفاده از قراردادهای مشارکتی را مجدداً در صنعت نفت و گاز مجاز

دانسته است که البته تعایر این قوانین با قانون اساسی و برخی قوانین موضوعه دیگر سبب ایجاد تردید در مجاز بودن استفاده از این مدل قراردادی شده است (بلندی، ۱۳۸۸: ۶۶).

۵. سابقه استفاده از قراردادهای مشارکت سرمایه‌گذاری در ایران

در این مبحث به ذکر قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری منعقد در صنعت نفت ایران و ویژگی‌ها و خصوصیات آنها پرداخته می‌شود:

۵.۱. قرارداد نفتی ایران با ایتالیا

قرارداد با شرکت آجیپ مینراریا در ۱۲ مرداد ۱۳۳۶ یعنی سه روز پس از تصویب قانون نفت امضا شد و در ۲ شهریور ۱۳۳۶ به تصویب مجلس سنا رسید. به موجب این قرارداد طرفین ظرف ۶۰ روز پس از انعقاد قرارداد، مشترکاً با سرمایه مساوی، شرکتی ایرانی به نام شرکت سهامی نفت ایران و ایتالیا (سیرپ) تشکیل دادند تا در راستای منافع طرفین قرارداد عملیات اکتشاف، تولید و فروش نفت را در نواحی مورد توافق انجام دهد. در این قرارداد مخارج اکتشاف به عهده طرف ایتالیایی بود و فقط در صورتی که وجود ذخیره نفت به میزان تجارتي در یک میدان احراز شود، «سیرپ» مخارج مزبور را به «آجیپ» مسترد خواهد کرد و از آن به بعد هم مخارج بهره‌برداری و توسعه آن میدان را مستقیماً بر عهده خواهد گرفت.

با اینکه مشارکت مزبور براساس تساوی سهام (پنجاه - پنجاه) تشکیل می‌یافت و به دلیل آنکه هر یک از طرفین باید ۵۰ درصد از درآمد خود را به‌عنوان مالیات به دولت بپردازد، در حقیقت تنها ۲۵ درصد از درآمد کل قرارداد عاید شریک خارجی می‌گشت و بدین لحاظ قراردادهای مشارکت مذکور به قراردادهای ۲۵ - ۷۵ مشهور بودند.

افزون بر این اگر عملیات اکتشاف به نتیجه منفی منتهی می‌شد، مخارج مربوط به امور اکتشافی اعم از سهم آجیپ مینراریا و سهم شرکت ملی نفت ایران تماماً بر عهده آجیپ مینراریا خواهد بود.

۵.۲. قرارداد نفتی ایران با شرکت پان امریکن

در سال ۱۳۳۷ دومین قرارداد مشارکت نیز براساس قانون جدید نفت منعقد شد، در این سال، شرکت ملی نفت ایران عملیات اکتشاف منطقه‌ای از حوزه نفتی فلات قاره در خلیج فارس را آزاد اعلام کرد و متعاقباً ۵۷ شرکت نفتی از ۹ کشور جهان برای شرکت در مناقصه اعلام آمادگی کردند که از این تعداد تنها ۱۴ شرکت موفق به شرکت در مناقصه شدند. در این مناقصه یکی از شرکت‌های فرعی و وابسته به شرکت نفت «استاندارد ایندیانا»^۱ موسوم به «شرکت نفت پان امریکن» با ارائه بالاترین پیشنهاد برنده شد.

1. Standard of Indiana

قرارداد مشارکت پان امریکن و شرکت ملی نفت ایران (ایپاک)^۱ در ژوئن ۱۹۵۸ به امضا رسید، از لحاظ مقرراتی که به موجب قانون نفت شامل حال مشارکت‌های ۵۰ درصد می‌شود، این قرارداد به‌طور کلی شبیه قرارداد آجیب مینراریا است؛ جز اینکه طرفین یک دستگاه مختلط و نه سازمان مشترک به‌وجود آورده‌اند که از این اختلاط شخصیت حقوقی جداگانه ایجاد نمی‌شود و طرفین با یکدیگر توافق کرده بودند که هر طرف جداگانه طبق سهم خود در سرچاه؛ مالک نفت تولیدی خواهد شد (روحانی، ۲۵۳۶: ۷۴).

شرکت ایپاک عملیات مقرر در قرارداد را به حساب مشترک طرفین و به‌عنوان عامل طرفین انجام می‌داد؛ لیکن در مورد انجام و نیز اجرای عملیات اکتشافی که طبق قرارداد از تعهدات طرف دوم قرارداد به‌شمار می‌رفت، شرکت مزبور فقط به‌عنوان عامل شرکت پان امریکن (طرف دوم) عمل می‌کرد. وفق این قرارداد ۵۰ درصد از نفتی که در ناحیه عملیات تولید شود، در سرچاه به ملکیت طرف اول و ۵۰ درصد دیگر به ملکیت طرف دوم می‌آمد.

۳.۵. قراردادهای مشارکت نفتی با اروپا و آمریکا

در سال ۱۳۴۴ شش قرارداد نفتی دیگر از نوع مشارکت منعقد شد، این قراردادهای در بخش دیگری از منطقه فلات قاره مابین شرکت ملی نفت ایران با شرکت‌های اروپایی و آمریکایی منعقد شد که با عنایت به برخی خصوصیات، سود مناسبی را نصیب طرفین می‌کرد. در قراردادهای شش‌گانه نکات مهم و برجسته‌ای به چشم می‌خورد که عبارت‌اند از:

- پرداخت مالیات بر درآمد ۵۰ درصد سهم صادرات طرف خارجی براساس بهای اعلام‌شده نفت خام بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه تخفیفی؛
 - قبول اصل تبعیت از قوانین مالیاتی روز در طول مدت قرارداد با قید عدم تبعیض؛
 - استرداد یک‌چهارم از حوزه قرارداد پس از گذشت ۵ سال و یک‌دوم آن پس از گذشت ۱۰ سال به شرکت ملی نفت ایران؛
 - تسهیم منافع حاصله براساس فرمول ۲۵ - ۷۵ (به نفع ایران) با احتساب مالیات بر درآمد؛
 - خرید تمامی ۵۰ درصد سهم نفت خام شرکت ملی نفت ایران به بهای نیمه راه از سوی طرف خارجی؛
 - محدودیت حوزه عملیات این شرکت‌ها به حداکثر هشت هزار کیلومتر مربع و تقلیل تدریجی آن و بالاخره تعهد این امر که پس از انقضای دوره اکتشاف تنها حوزه‌هایی که نفت در آنها به میزان تجاری یافت‌شده در اختیار شرکت‌های مختلط باقی بماند (روابط عمومی صنعت نفت، بی‌تا: ۱۹-۱۸).
- با شروع به کار عملیات نفتی توسط شرکت‌های خارجی در بخش‌هایی از حوزه فلات قاره، شرایط قراردادهای مشارکت همچون قراردادهای گذشته ارزیابی شد که طی آن به‌منظور تأمین هرچه بیشتر منافع ایران، شرایط سنگین‌تری برای طرف‌های خارجی مقرر شد.

1. Iran-Pan American Oil Co.(IPAC)

۲. بهای نیمه راه عبارت است از مجموع قیمت اعلان‌شده به اضاة مالیات بر درآمد دولت و هزینه تولید.

چنانکه ذکر شد قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری به نوعی تداعی‌کننده مالکیت سرمایه‌گذار خارجی بر منابع نفتی کشور است و شاید به همین دلیل است که استفاده عملی از این نوع قراردادها کنار گذاشته شده است؛ چراکه مطابق اصل ۴۵ قانون اساسی، انفال و ثروت‌های عمومی در اختیار حکومت اسلامی است و معادن نفتی نیز در حیطه این اصل قرار دارند. لکن باید گفت قراردادهای امتیازی متعدد قبل از انقلاب نشان‌دهنده آن است که نفت هم به تبع معادن، امکان تملک به وسیله اشخاص را داشته و در قانون مدنی نیز مالکیت خصوصی بر معادن به تبع فقه پذیرفته شده است. البته طبق قانون معادن سال ۱۳۱۷ بحث نفت از سایر معادن استثنا شد و بعداً حتی مشارکت خارجی‌ها در عملیات نفتی هم محدود و در نهایت در قانون نفت سال ۱۳۵۳، هرگونه مشارکت با خارجی‌ها در عملیات بالادستی نفت ممنوع اعلام شد. اما پس از انقلاب، هرچند به ظاهر سرمایه‌گذاری در عملیات بالادستی نفت در قانون اساسی و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و قانون نفت سال ۱۳۶۶ اصلاحی سال ۱۳۹۰ ممنوع شده است، ولی می‌توان گفت با توجه به تحولات قانونگذاری در سال‌های اخیر امکان انعقاد این دسته از قراردادها در صنعت نفت و گاز چه در عملیات بالادستی و چه در عملیات پایین‌دستی، وجود دارد، چراکه هرچند مطابق اصل ۷۷ قانون اساسی قراردادهای بین‌المللی باید توسط مجلس تصویب شود، طبق ماده ۲ قانون نفت اصلاحی سال ۱۳۹۰، تمامی منابع نفتی جزء انفال و ثروت‌های عمومی است و اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع مذکور به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر عهده وزارت نفت است. با اینکه مطابق قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سرمایه‌گذاری، اعم از داخلی و خارجی، در عملیات بالادستی صنعت نفت، ممنوع اعلام شده است و دولت فقط می‌تواند با حفظ صددرصد حاکمیت، از خدمات مالی، فنی، مهندسی و مدیریتی بخش خصوصی استفاده کند؛ بند ۳ بخش ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، مشارکت سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت شده را مجاز می‌داند.

۶. گرایش جدید به قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر

با اینکه قانون نفت ۱۳۶۶ قراردادهای مشارکت در صنعت نفت و گاز را ممنوع اعلام کرد و براساس اصل ۴۵ قانون اساسی منابع معدنی در اختیار حکومت اسلامی قرار دارد و مطابق اصل ۴۴ و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز منابع نفت و گاز در اختیار دولت قرار دارد و از این رو مالکیت افراد خصوصی امکان‌پذیر نیست و به همین سبب هم تنها روش قراردادی مورد استفاده در صنعت نفت و گاز قراردادهای بیع متقابل بوده است، لکن در سال‌های اخیر رویکرد قانونگذار نسبت به انعقاد انواع قراردادهای نفتی تغییر کرده و ظاهراً قوانین اخیر مصوب مجلس دید بازتری نسبت به انعقاد قراردادهایی

نفتی داشته‌اند، به طوری که در ماده واحد قانون اجازه به شرکت ملی نفت ایران جهت طرح‌های اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از میدان‌های نفت و گاز دریای خزر، به این شرکت اجازه داده شده است که به منظور اجرای طرح‌های اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری با انعقاد قراردادهای لازم با شرکت‌های داخلی و خارجی اقدام کند. چنانکه واضح است، نوع قراردادی که شرکت نفت امکان انعقاد آن را دارد در این قانون مشخص نشده است. در ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنجم توسعه نیز با وجود تفاوت اساسی قراردادهای نفتی، اجازه استفاده از انواع روش‌های قراردادی برای اکتشاف، توسعه و تولید به وزارت نفت داده شده است. افزون بر این قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، به صراحت امکان مشارکت بخش دولتی (وزارت نفت) با سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی ذکر شده است.

چنانکه در ردیف ۳ بند «ت» ماده ۳ قانون اخیرالذکر استفاده از قراردادهای مشارکتی در میادین نفت و گاز کشور اجازه داده شده و از این رو از آنجا که استفاده از مدل‌های قراردادی مشارکت می‌تواند شرکت‌های برتر و سرمایه‌گذاران توانمندتر خارجی را جهت سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز به کشور رهنمون سازد، باید با تحلیل صحیح قوانین و انعقاد قراردادهای قوی از سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری خارجیان در صنعت نفت و گاز بهره‌برداری اصولی را کرد؛ چنانچه اصطلاح مشارکت در حقوق نفت و گاز مندرج در ماده مذکور مفهوم عام داشته و می‌تواند به لحاظ اصطلاحی مفهوم مشارکت در تولید، مشارکت در سرمایه‌گذاری، مشارکت در درآمد و نیز مشارکت در عملیات را در برداشته باشد، و لکن با عنایت به اینکه قانونگذار در قسمت اخیر ماده مذکور از حق مالکیت دولت بر منابع نفت و گاز سخن گفته است و بحث حفظ حق مالکیت حکومت در تمامی قوانین صراحتاً یا مضموناً لحاظ شده است، از یک سو و اینکه قراردادهای مشارکتی براساس مقررات عمومی به خودی خود سبب ایجاد حق مالکیت طرفین خواهد شد و این حق در صورتی که قرارداد از طرف دولت میزبان به صورت یکجانبه فسخ شود، همچنان باقی خواهد بود و با مطالبه شرکت طرف قرارداد نسبت به محتوای مخازن نفتی قابلیت اجرایی خواهد یافت، و این امر مغایر با نص بسیاری از قوانین موضوعه کشور و حتی نص قانون اساسی در خصوص عدم امکان مالکیت بیگانگان بر انفال است از سوی دیگر، باید گفت منظور قانونگذار از انعقاد انواع قراردادهای مشارکتی قطعاً مشارکت در تولید نخواهد بود؛ چراکه براساس قرارداد مشارکت در تولید از همان ابتدا حق مالکیت در خصوص نفت و گاز موجود در چاه به طرف قرارداد واگذار می‌شود (گودرزی، ۱۳۹۳: ۱۶۲) و در این زمینه انعقاد قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری خصوصاً از نوع شرکتی که سبب ایجاد شخصیتی مستقل از دولت و با تخصص نفت و گاز می‌شود، می‌تواند از نظر حقوقی منافع شرکت ملی نفت را نیز حفظ کند و سرمایه‌گذار خارجی نیز به دلیل اینکه با یک شرکت بین‌المللی طرف قرارداد است، تمایل بیشتری به مشارکت خواهد داشت.

به منظور انعقاد قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری نفتی چند مدل قراردادی وجود دارد که عبارت‌اند از

همکاری مشترک قراردادی شرکت‌های بین‌المللی نفتی، همکاری مشترک قراردادی شرکت‌های بازرگانی نفتی، همکاری مشترک قراردادی شرکت‌های خدمات نفتی، همکاری مشترک شرکتی شرکت‌های بین‌المللی نفتی، همکاری مشترک شرکتی شرکت‌های خدمات نفتی که سه مدل اول همکاری مشترک در قالب مشارکت در سرمایه‌گذاری قراردادی و دو مدل اخیر در قالب مشارکت در سرمایه‌گذاری شرکتی تحقق‌پذیر است که هریک دارای مزایا و معایب خاص خود هستند و پرداختن به معایب و مزایای این قراردادها مجال دیگری را می‌طلبد؛ ولی به‌طور کلی باید گفت که کاهش ریسک و دستیابی به بازارهای بین‌المللی جدید و انتقال فناوری‌های جدید را می‌توان از خصایص این نوع قراردادها برشمرد (ناظمی، ۱۳۹۶: ۱۳۳-۱۳۰).

هرچند علت اصلی عدم استقبال سرمایه‌گذاران خارجی جهت ورود به بازار نفت و گاز کشور در سال‌های اخیر افزایش ریسک سرمایه‌گذاری طرف‌های خارجی در ایران ناشی از تحریم‌های تحمیلی از سوی کشورهای غربی به‌خصوص در حوزه میدان‌های مشترک و پرخطر مستلزم آن است که تعارض قراردادهای مشارکت به‌خصوص در حوزه میدان‌های مشترک و پرخطر مستلزم آن است که تعارض قانونی موجود با قوانین موضوعه و نیز قانون اساسی مرتفع شود؛ بنابراین لازم است قانونگذار به‌طور صریح نسبت به تعیین تکلیف شرایط انعقاد قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری و اصلاح قوانین متعارض اقدام کند تا در این زمینه علاوه بر حفظ منافع عمومی و ملی، جذب سرمایه‌گذاران خارجی توانمند نیز صورت پذیرد.

۷. نتیجه‌گیری

استفاده از مشارکت سرمایه‌گذار خارجی به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، علاوه بر آنکه امکان جذب سرمایه و تأمین مالی برای سرمایه‌گذاران را فراهم می‌نماید، به بخش خصوصی نیز امکان مشارکت در پروژه‌های زیر بنایی را می‌دهد.

در هر کشوری با توجه به محدودیت‌های قانونی، سیاسی و اقتصادی، شیوه خاصی در جلب سرمایه‌گذاری خارجی انتخاب می‌شود و از این رو شیوه‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی در طول سالیان متمادی تغییر اساسی یافته است. یکی از ابزارهای مورد استفاده برای این منظور، انعقاد قراردادهای بین‌المللی جوینت ونچراست که استفاده از آن امروزه به‌نحو گسترده‌ای بین‌المللی شده است. در حقوق ایران، پس از آنکه «رژیم امتیاز» با تصویب «اصل ملی شدن» رخت بر بست، «قرارداد کنسرسیوم ۱۹۵۴» به‌عنوان نوعی از قرارداد عاملیت و قانون نفت ۱۳۳۶، نمونه‌ای از قراردادهای مشارکت (با ایجاد شخصیت حقوقی و بدون ایجاد شخصیت حقوقی) را ایجاد کرد. پس از آن، قانون نفت ۱۳۵۳ اصولاً قرارداد مشارکت را که مستلزم به رسمیت شناخته شدن حق تملک شرکت خارجی به نفت

استحصال شده در سرچاه بود، ممنوع دانست و منحصرأ «قرارداد خدمات» یا پیمانکاری را به‌عنوان قالب مناسب برای روابط حقوقی شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های خارجی در زمینه اکتشاف و توسعه و تولید تجویز کرد. بر این اساس، فرمول قرارداد مشارکت از آن پس تنها در عملیات پایین‌دستی که مداخله خارجی در آن، شبهه‌ای نسبت به حق تملک ذخایر زیرزمینی نفت وارد نمی‌آورد، می‌توانست مورد استفاده واقع شود. پس از آن اصول ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی نیز سرمایه‌گذاری در صنایع بزرگ و صنایع مادر کشور را ممنوع کرد. افزون‌بر این در سال ۱۳۶۶ مجدداً قانون نفت تغییر یافت و مطابق ماده ۶ این قانون، به‌طور کلی سرمایه‌گذاری خارجی در واحدهای عملیاتی بالادستی وزارت نفت، ممنوع گردید.

هرچند در سال‌های اخیر رویکرد قانونگذار نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور تغییر کرده و قوانین جدید جهت جذب سرمایه‌های خارجی در زمینه‌های گوناگون وضع شده است که قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ و جواز استفاده از قراردادهای مشارکتی در میدان نفت و گاز کشور و قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه مصوب ۱۳۹۰ در خصوص جواز استفاده از انواع روش‌های اکتشاف، توسعه و تولید از این دسته‌اند. در هر صورت نیاز کشور به تأمین فاینانس از طریق سرمایه‌گذاران خارجی از یک سو و تعارض قوانین موجود در خصوص قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز از سوی دیگر، تصویب قوانین جدید و رفع ابهام از قوانین موجود مطابق نیازهای اقتصادی کشور، باید بیشتر مورد توجه قانونگذار قرار گیرد.

چنانکه مشخص شد رویکرد قانونگذار نسبت به انعقاد قراردادهای نفتی به‌ویژه در خصوص عملیات بالادستی در طول زمان گاه با تنگ‌نظری لحاظ شده و گاه برای انعقاد قرارداد هیچ محدودیتی ذکر نشده است و این تعارضاتی را که در وضع قوانین در خصوص انعقاد قرارداد در یک بخش دولتی آن هم یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین صنایع ایران دیده می‌شود، نمی‌توان به دیده اغماض نگریست. شایسته است قانونگذار با بهره‌گیری از تجربه ارزشمندی که کشور در خصوص انعقاد قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری داشته است و نیز بهره‌مندی از تجربه سایر کشورها به‌خصوص کشورهای نفت‌خیز همسایه در استفاده از این دسته از قراردادها در خصوص انواع قراردادهایی که در خصوص سرمایه‌گذاری مستقیم شرکت‌های خصوصی داخلی یا خارجی در عملیات بالادستی نفت می‌تواند منعقد شود، به‌صراحت اظهار نظر کرده علاوه‌بر جذب سرمایه سرمایه‌گذاران خارجی، باب تفاسیر متعارض و گاه متناقض را در این خصوص ببندد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۷۶)، حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۲، چ دوم، تهران: بهتاب.
۲. اشمیتوف، کلايوم (۱۳۷۸)، حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، تهران: سمت.
۳. اصغرزاده، عبدالله (۱۳۷۴)، آشنایی با تجارت متقابل، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۴. الماسی، نجادعلی (۱۳۸۵)، تعارض قوانین، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۵. امام، فرهاد (۱۳۷۳)، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، تهران: یلدا.
۶. اهری، حسین (۱۳۴۹)، قراردادهای نفتی: قیمت و درآمد نفت، تهران: کاویان.
۷. بلندی، مریم (۱۳۸۸)، تبیین قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری نفتی در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر عبدالحسین شیروی و دکتر محمدمهدی الشریف، دانشگاه اصفهان.
۸. آمیش، پل دلبیو، کیلینگ، ج. پیتر (۱۳۷۲)، مدیریت بین‌المللی، احمد آرام، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۹. پاکدامن، رضا (۱۳۷۲)، راهنمای تنظیم موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری مشترک صنعتی (در کشورهای در حال توسعه، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی).
۱۰. حسن بیکی، ابوالفضل (۱۳۸۱)، نفت بای بک و منافع ملی، تهران: آوای نور.
۱۱. دمر چیلی، محمد (۱۳۸۴)، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، تهران: میثاق عدالت.
۱۲. روحانی، فؤاد (۲۵۳۶)، صنعت نفت ایران: بیست سال بعد از ملی شدن، تهران: شرکت سهامی.
۱۳. سلجوقی، محمود (۱۳۸۵)، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: میزان.
۱۴. شاپیرا، ژان (۱۳۷۱)، حقوق بین‌الملل بازرگانی، ترجمه ربیعا اسکینی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۱۵. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳)، حقوق نفت و گاز، تهران: میزان.
۱۶. فرشاد گهر، ناصر (۱۳۸۱)، سیری در قراردادهای نفتی ایران، تهران: پژوهشکده امور اقتصادی.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، تهران: سهامی انتشار.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، حقوق مدنی عقود معین: مشارکت‌ها - صلح، تهران: گنج دانش.
۱۹. موحد، محمدعلی (۱۳۵۷)، نفت ما و مسائل حقوقی آن، تهران: خوارزم.
۲۰. موسوی، میر طیب (۱۳۸۴)، مسائل سیاسی اقتصادی جهانی نفت، تهران: مردم‌سالاری.
۲۱. نصیری، محمد (۱۳۷۵)، حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱ و ۲، تهران: آگاه.

ب) مقالات

۲۲. ایرانپور، فرهاد (۱۳۸۱)، «شناسایی و یا انکار اصل حاکمیت اراده در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۵۸، ص ۹۱-۷۵.

۲۳. ایرانیپور، فرهاد (۱۳۸۶)، «مبانی عمومی قراردادهای نفتی»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۷، ش ۳، ص ۱-۲۸.
۲۴. ایرانیپور، فرهاد (۱۳۸۷)، «انواع قراردادهای نفتی: ت حول قراردادهای نفتی از قراردادهای معاوضی به سوی قراردادهای مشارکتی»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، ش ۲، ص ۲۵-۳۸.
۲۵. خزائی، حسین (۱۳۶۹)، «بررسی اجمالی مفهوم حقوقی (J.V) در حقوق آمریکا و حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳، ص ۵۳-۱۲۸.
۲۶. عرفانی، محمود (۱۳۷۲)، «مشارکت تجارتي بين المللي»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۱۴۲، ص ۶۳-۹۹.
۲۷. القشیری، احمد و طارق ریاض، (۱۳۸۲)، «قانون حاکم بر نسل جدید قراردادهای نفتی: چرخش در روند داوری»، شرح و ترجمه محسن محبی، مجله حقوقی، شماره ۲۹، صص ۲۹-۱۱۰.
۲۸. گودرزی، زهرا (۱۳۹۳)، «تحلیل قوانین جدید در حوزه نفت و گاز و بررسی ظرفیت قانونی موجود در پذیرش تحولات قراردادی»، مطالعات حقوق انرژی، ۲، ص ۱۵۳-۱۶۶.
۲۹. محبی، محسن (۱۳۸۵)، «رویه داوری بین‌المللی درباره غرامت (دعوی نفتی)»، مجله حقوقی، ۳۵، ص ۷۰-۹.
۳۰. موحد، محمدعلی (۱۳۷۶)، «قراردادهای نفتی پس از درنگی بیست‌ساله»، مجله اقتصاد انرژی، ۳ و ۲، ص ۸۷-۷۹.
۳۱. ناظمی، امیر (۱۳۹۶)، «مدل‌های همکاری مشترک در صنعت نفت و گاز ایران؛ رویکرد شناختی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی، ۹، ص ۱۴۶-۱۱۳.

ج) اسناد

۳۲. ابلاغیه مورخ ۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری در مورد سیاست‌های اصل ۴۴.
۳۳. آیین‌نامه تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱.
۳۴. آیین‌نامه چگونگی قراردادهای بیع متقابل غیرنفتی (بند «و» ماده ۸۵) وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت بازرگانی مصوب ۱۳۷۹.
۳۵. تصویب‌نامه راجع به سرمایه‌گذاری خارجی، ضوابط حاکم بر قراردادها، مشارکت مدنی و بیع متقابل.
۳۶. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹.
۳۷. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳.
۳۸. قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Ripinsky, Sergery. Williams, Kevin (2015), *Damages in International Investment Law*, British Institute of International and Comparative Law.